

مطالعه الگو، نوع و سطح سودمندی استنادهای مقاله‌های کتابداری و اطلاع‌رسانی

ملیحه تردست‌زاده^۱

دکتر محمدحسین دیانی^۲

چکیده

هدف مقاله، بررسی کیفیت و سودمندی استنادها در مقاله‌های کتابداری و اطلاع‌رسانی بر اساس نوع، طبقه، و مکان استنادهاست. این پژوهش از نوع کاربردی و با روش تحلیل محتوا انجام گرفته است. جامعه آماری برای بررسی نوع و مکان استنادها ۹۱۵ استناد و برای بررسی سطح سودمندی استنادها ۱۰۰۰ استناد مربوط به مقاله‌های پژوهشی تألیفی مجله‌های کتابداری و اطلاع‌رسانی با درجه علمی = پژوهشی، فصلنامه کتاب، و دفتر کتابداری با درجه علمی = ترویجی، مربوط به سال ۱۳۸۵ است. در این بررسی، مقاله‌های مروری به دلیل تفاوت‌های خاص آنها با مقاله‌های علمی پژوهشی، مورد نظر نبود.

نتایج پژوهش نشان داد: (۱) بین الگوی استنادی نویسندگان (استفاده از انواع استناد)، در سه مجله مورد بررسی تفاوت معنادار وجود دارد. (۲) توزیع و پراکندگی استنادها در بخشهای مختلف سه مجله مورد بررسی، متفاوت است، به طوری که در هر سه مجله بیشترین تعداد استنادها ابتدا در بخش مرور نوشتار و سپس در بخش مقدمه قرار دارد. (۳) سطح سودمندی استنادها در سه مجله مورد بررسی، متفاوت است. سطح سودمندی بالا در مجله کتابداری و اطلاع‌رسانی با ۵۳/۴٪، بیشترین فراوانی را دارد، در حالی که این سطح سودمندی در فصلنامه کتاب ۲۸/۹٪، و در کتابداری ۲۷/۹٪ است. (۴) الگوی استنادی نویسندگان، مکان و سطح سودمندی استنادها در کل مجله‌های مورد بررسی متفاوت است.

کلیدواژه‌ها: استنادهای سودمند، استنادها بر حسب نوع، الگوی استناددهی، استنادها بر حسب مکان، کتابداری و اطلاع‌رسانی، فصلنامه کتاب، دفتر کتابداری.

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه فردوسی مشهد.

۲. استاد گروه کتابداری و اطلاع‌رسانی دانشگاه فردوسی مشهد.

مقدمه

استناد^۱ یکی از عناصر شاخص در نگارش‌های علمی است و نقش بارزی در تولید و نشر اطلاعات دارد. طی سالها، استناد شماری در علم کتابداری و اطلاع‌رسانی به منظور تعیین کارکرد نویسنده‌ای، یا تعیین منابع مورد استفاده مقاله‌ای، و یا به عنوان راهبردهایی برای بازیابی اطلاعات مورد استفاده بوده است (Small, 1999 نقل در Hand, 2003). مقاله‌ها به دلایل متعدد از جمله در برداشتن اقلام اطلاعاتی فراوان، مورد استناد قرار می‌گیرند (Cano, 1989).

بر اساس سبک ساختارگرایی اجتماعی جامعه‌شناسی علم (Latour, Woolgar, 1979 نقل در Bornmann, Daniel, 2008a)، اهمیت هر مقاله‌ای تا حد زیادی به مقدار استفاده دیگر دانشمندان از آن وابسته است. اگر دانشمندان، از محتوای مقاله‌ای بارها و به نحو مؤثری استفاده کنند، ادعای دانشی که در آن مقاله پرورانده شده است، به واقعیت علمی تبدیل می‌شود و بتدریج در زمره دانش علمی آن رشته در می‌آید. (Amsterdamska, Leydesdorff, 1989 نقل در Bornmann, Daniel, 2008a).

امروزه یکی از نشانه‌های اصلی پیشرفت علمی هر کشور، تعداد تولیدات علمی و میزان استناد به آنهاست. این موردی است که در مؤسسه اطلاعات علمی^۲، در شاخصهای اساسی علم^۳، در رتبه‌بندیهای علمی منعکس است. این مؤسسه سه عامل زیر را برای فعالیتهای خود در نظر دارد:

.....
1. Citation.

2. ISI: Institute for Scientific Information.

۳. این شاخصها که بر اساس استنادها تعریف می‌شوند، عبارتند از: دانشمندان (Scientists)؛ مؤسسه‌ها

(Institutions)؛ کشورها (Countries)؛ مجله‌ها (Journals)؛ مقاله‌های پر استناد (Highly Cited Papers)؛

مقاله‌های داغ (Hot Papers)؛ زمینه‌های تحقیق پیشنهاد (Research Fronts) (موسوی، ۱۳۸۳، ص ۵۱).

۱. تعداد مدارک نمایه شده

۲. تعداد استنادها.

و یک عامل ترکیبی، تعداد مدارک نمایه شده / استنادها، محاسبه می‌کند (موسوی، ۱۳۸۳، ص ۵۱).

نکته قابل توجه در استناد شماری این است که استنادها به آسانی شمرده می‌شوند، اما معلوم نیست، واقعاً چه چیزی شمرده می‌شود (Collins, 1982 نقل در Cano, 1989). به عبارت دیگر، در شمارش استنادها - برای ارزیابی متون علمی - چگونگی این ارزیابی با توجه به استنادها با ابهام همراه است (Bormmann, Daniel, 2008b). به بیان «کانو» (Cano, 1989)، همه استنادها ارزش برابر ندارند، و از دیدگاه اطلاعاتی، برخی اهمیت قابل توجهی داشته و برخی فاقد اهمیت می‌باشند. بر این اساس، توجه به محتوایی که هر استناد در متون علمی حمل می‌کند و اثری که در تحقیق بعدی دارد، حاوی ارزش بیشتری از شمارش صرف هر استناد است، زیرا محتوای هر استناد است که ابعاد یا زوایای اصلی یک متن علمی را شکل می‌دهد. توجه به استنادهای بسیاری از مقاله‌ها، این فرض را به ذهن می‌آورد که مقاله می‌توانست بدون برخی استنادها همچنان دارای هویت خاص خود باشد. در صورت درستی این ادعا و پذیرش این نکته، نویسندگان مقاله‌های علمی از جمله نویسندگان مقاله‌های کتابداری، از انواع استناد و اثربخشی آنها در محتوای متن علمی رشته خود تصور روشنی ندارند. سؤال اساسی که در این مورد می‌توان مطرح کرد این است که آیا به راستی استنادها می‌توانند نشان دهنده کیفیت مقاله باشند؟ آیا شمارش صرف استناد به یک اثر را می‌توان میزان اثرگذاری یا شایستگی علمی آن اثر تلقی کرد؟ آیا ویژگی‌هایی نظیر مکانی که استناد آمده یا نوع استناد، می‌تواند امتیاز ویژه‌ای برای اثر محسوب شود؟ اینها سؤالی است که پژوهش حاضر در پی یافتن پاسخ برای آنهاست.

مروری کوتاه بر پیشینه پژوهش

«موراوسیک و مورگسان» (Moravcsik, Murgusan, 1975)، استادهای ۳۰ مقاله در موضوع فیزیک نظری را که در بررسی‌نامه فیزیک^۱، بین سالهای ۱۹۶۸ و ۱۹۷۲ منتشر شده بود، از نظر انواع استناد بررسی کردند. آنها استنادها را در ۵ جفت طبقه دسته‌بندی کردند که عبارتند از: اولین طبقه (استندهای ادراکی در مقابل عملکردی)، دومین طبقه (استندهای سازمان‌یافته در مقابل بدون سازمان)، سومین طبقه (استندهای تکاملی در مقابل الحاقی)، چهارمین طبقه (استندهای تأییدی در مقابل تکذیبی)، و پنجمین طبقه (استندهای باارزش در مقابل حشو). نتایج پژوهش نشان داد اکثر استنادها به ترتیب به طبقه‌های با ارزش (۶۹٪)، سازمان‌یافته (۶۰٪)، و تکاملی (۵۹٪)، اختصاص یافته‌اند. تنها ۱۴٪ از مقاله‌های مورد استناد به صورت نادرست یا تأمل‌برانگیز مورد استناد قرار گرفته بودند. آنها نتیجه گرفتند درصد بالایی از استندهای با ارزش، سازمان‌یافته و تکاملی، نشان‌دهنده تأثیر پژوهشهای قبلی، بر آثار استنادکننده است. درصد پایین استندهای نوع تکذیبی، فرضیه‌های نظریه‌هنجاری رفتار استنادی را تأیید می‌کند. آنها همچنین به این نتیجه رسیدند که حجم نسبتاً زیاد (۴۱٪) ارجاعات بدون سازمان، تردیدهای جدی را "درباره استفاده از استنادها به عنوان سنجش کیفیت به بار می‌آورند؛ زیرا، کاملاً ممکن است که هر شخصی یا گروهی، با نوشتن مقاله‌های قابل نشر در موضوعهای متداول، شمار استندهای بالایی را کسب کند که بعداً به آنها به عنوان ارجاعات بدون سازمان استناد خواهد شد" (نقل در Bornmann, Daniel, 2008b). «پریتز» (Peritz, 1983)، در پژوهشی بر اساس طرح طبقه‌بندی خود که شامل ۸ طبقه در موضوع علوم اجتماعی و رشته‌های وابسته آن است، نوع و مکان استنادها را به طور جداگانه و ترکیبی بررسی نمود.

«کانو» (Cano, 1989) در پژوهشی با عنوان «رفتار استنادی: طبقه‌بندی، سودمندی و مکان استنادها» روابط فرضی بین سه متغیر نوع استناد، سطح سودمندی و مکان استنادها را بررسی کرد. «کانو» در پژوهش خود مدل رفتار استنادی مورائوسیک و مورگسان (1975) را به صورت تجربی بررسی نمود. هدفهای این پژوهش شامل آزمودن کاربرد پذیری مدل رفتار استنادی پیشنهاد شده توسط مورائوسیک و مورگسان به عنوان مدل استفاده از اطلاعات، فراوانی و سطح سودمندی انواع استنادها، و آزمودن سودمندی عامل مکان استناد به عنوان متغیر کتابسنجی جدید بود. او در این پژوهش از گروهی از دانشمندان خواست تا انواع استنادهای موجود در دو پژوهش اخیرشان را طبقه‌بندی و نظر خود را درباره سودمندی محتوای هر یک از استنادهای مورد استفاده بیان کنند. نتایج پژوهش نشان داد استنادها بیشتر در بخش مقدمه متمرکزند و بیش از یک سوم استنادهای این بخش ماهیتی بدون سازمان و سطح سودمندی بسیار پایین دارند. استنادهای سازمان‌یافته، بیشترین سهم را در بین انواع استناد در بخشهای میانی و انتهایی مقاله‌ها به خود اختصاص داده‌اند. نتایج کانو ممکن است به این فرضیه منجر شود که استنادهایی که در بخشهای مقدماتی مقاله‌های فنی قرار گرفته‌اند، فقط «تنظیم تحقیق» را می‌نمایانند و اطلاعات این بخشها سطح سودمندی خیلی کمی برای نویسندگان این قبیل مقاله‌ها دارند (مورائوسیک و مورگسان، ۱۹۷۵: 288)

«ماری‌سیک و دیگران» (Maricic et al., 1998)، با استفاده از مکان استناد و سطح استنادی، به تحلیل استنادها پرداختند. آنها بخشهای مختلف مقاله‌های استنادکننده (مقدمه، روشها، نتایج و بحث) و هم سطح استنادی را برای استنادهای ۳۵۷ مقاله تهیه شده توسط مؤسسه بین رشته‌ای، تحلیل و بررسی کردند. آنها سطح استناد را به صورت بالا یا پایین (قوی یا ضعیف) بر طبق یک تشخیص آسان، ثبت

کردند: سطح استناددهی معنادار یا با شدت بالا، شامل انواع استنادهای ضروری، اصلی، یا سازمان‌یافته مقاله مورد استناد و در مقابل، سطح استناددهی سطحی یا با شدت پایین، شامل انواع استنادهای غیرضروری، جانبی، یا بدون سازمان مقاله مورد استناد می‌باشد. نتایج پژوهش نشان داد، استنادهای سطحی یا با شدت پایین در بخش مقدمه مقاله و استنادهای معنادار یا با شدت بالا در بخشهای روشها، نتایج و بحث پژوهش غالب بودند. نتایج بسیار مهم این پژوهش در مراحل بعد نشان داد هیچ‌گونه همسانی بین تحلیل استنادی صرفاً شمارشی از یک طرف، که دربرگیرنده نتایج استنادها در سطح ارزشی آنهاست و تحلیل بافتی مبتنی بر طبقه‌بندی استنادها (سطوح با شدت بالا/پایین) و مکان استناد دهی (درون مقاله‌های استنادکننده)، از طرف دیگر دیده نمی‌شود (Maricic et al., 1998: 538). بنابراین، برای ارزشیابی دستاوردهای علمی، نمی‌توان صرفاً از تحلیل میانگین آماری فراوانی استنادها استفاده کرد.

در ایران نیز، تنها پژوهش «پرویز شهریاری» (۱۳۸۵)، تا حد کمی مشابه پژوهش حاضر است که در آن، به دسته‌بندی انواع استناد به شیوه‌ای غیر از پژوهش حاضر پرداخته است. شهریاری، در مقاله خود با عنوان «تحلیل استنادی مقالات فصلنامه علوم اطلاع‌رسانی» (۱۳۵۱-۱۳۸۱)، پراکندگی موضوعی استنادهای مقاله‌ها را در دو دسته کلی کتابداری و غیرکتابداری بررسی نمود. وی برای تعیین پراکندگی موضوعی استنادها در حوزه موضوعی کتابداری، از رده‌بندی ایزا^۱، و در حوزه موضوعات غیرکتابداری، از رده‌بندی دیویی استفاده کرد. یافته‌های پژوهش وی نشان داد، ۸۱/۷٪ استنادها در حوزه کتابداری، و ۱۸/۳٪ غیرکتابداری یا نامشخص بودند.

بنابراین، از آنجا که پژوهشهای استنادی در ایران، بیشتر با رویکرد کمی است، نیاز به انجام پژوهشهایی از این دست که به بررسی کیفی استنادها از سوی محققان این حوزه پردازد، بسیار احساس می‌شود.

فرضیه‌های پژوهش

پژوهش حاضر در پی یافتن پاسخ برای فرضیه‌های ذیل است:

۱. بین الگوی استنادی نویسندگان (استفاده از انواع استناد)، در سه مجله مورد بررسی، تفاوت معناداری وجود دارد.
۲. توزیع و پراکندگی استنادها در بخشهای مختلف سه مجله مورد بررسی، متفاوت است.
۳. سطح سودمندی استنادها در سه مجله مورد بررسی، متفاوت است.
۴. نتایج حاصل از فرضیه‌های ۱، ۲، و ۳ در کل مجله‌های مورد بررسی متفاوت است.

مبنای طبقه‌بندی استنادها

طرحهای بسیاری برای طبقه‌بندی انواع استناد وجود دارد که آنها را در مقیاسهای چندبُعدی یا طبقه‌های متعدد دسته‌بندی کرده‌اند. بیشتر طرحها ماهیتی طبیعی دارند (Small, 1982 نقل در Cano, 1989). از بین این طرحها، طرح طبقه‌بندی استنادهای «پریتز» (1983) که در رابطه با مطالعات تجربی در علوم اجتماعی و رشته‌های وابسته نظیر جامعه‌شناسی، علوم تربیتی، جمعیت‌شناسی و کتابداری توسعه یافته است، بیشتر از دیگر طرحهای طبقه‌بندی، با حوزه کتابداری و اطلاع‌رسانی مرتبط است. در استفاده از این طرح، مقاله‌های نظری، روش‌شناختی، تاریخی، مروری، سخنرانیها، گزارشها، مباحثه‌ها و مذاکره‌ها،

مرور و نقدهای کتاب مستثنا شده‌اند، زیرا در واقع، این طبقه‌بندی برای آنها عملیاتی نیست.

لازم به یادآوری است، محقق بر اساس نیاز و به منظور عملیاتی کردن و وضوح طرح خود اضافاتی را لحاظ کرده است که در آن استنادها را در ۸ طبقه اصلی و ۲۳ طبقه فرعی تقسیم‌بندی کرده که شرح مفصل آن در زیر ارائه شده است:

۱. تنظیم تحقیق

۱-۱. تحت این سرعنوان همه استندهایی قرار می‌گیرند که مقدماتی برای طرح سؤال پژوهش فراهم می‌کنند. زمانی که سؤالهای پژوهشی یک تحقیق قبلی (یک مورد تا تمامی موارد)، مشابه سؤالهای پژوهشی در تحقیق فعلی باشد، می‌توان نتیجه گرفت که سؤالهای پژوهش تحقیق فعلی الهام گرفته از سؤالهای پژوهش تحقیق قبلی است. در نتیجه، می‌توان آن را در طبقه «تنظیم تحقیق» قرار داد. «هوجز» این گروه را مدرکی (تهیه شواهد برای تحقیق در دست انجام)، نامیده است؛

۲. اطلاعات زمینه‌ای

۱-۲. استندهایی که داده‌های اصلی (مانند جمعیت مورد مطالعه)، را برای تنظیم تحقیق مستند می‌سازد.

۲-۲. استندهایی که از اطلاعات واقعی برای توجیه و تصدیق بعضی تصمیمهای روش‌شناختی حمایت می‌کنند.

۲-۳. استناد به اطلاعات خاص یا عمومی در رابطه با موضوع مورد نظر.

۳. روش‌شناختی

این گروه شامل استناد به آثاری است که بعضی جنبه‌های روشهای به کار گرفته شده در تحقیق فرد استنادکننده را توصیف می‌کند. تقریباً همیشه می‌توان استندهای این طبقه را در دو زیرگروه دیگر تقسیم‌بندی کرد:

۳-۱. استنادهایی که به طرح تحقیق ارجاع می‌دهند (شامل آن دسته از استنادها به ابزار (پرسشنامه، متن مصاحبه، نرم افزار و ...)، به کارگرفته در پژوهش است، همچنین جامعه پژوهش و نمونه‌گیری)

۳-۲. استنادهایی که به روشهای تحلیل ارجاع می‌دهند (استنادهایی که به کاربرد شیوه‌ای خاص برای تحلیل داده‌ها، یا چرایی استفاده از شیوه‌ای خاص برای تحلیل داده‌ها می‌پردازند. استناد به آزمونهای آماری و تساویهای نظری).

۴. تطبیقی

این طبقه شامل استناد به تحقیقاتی است که با تحقیق حاضر مقایسه می‌شوند و می‌تواند شامل دو دسته زیر نیز باشد:

۴-۱. تأییدی: این استنادها، یا از یافته‌های نویسنده حمایت می‌کنند یا نویسنده آنها را تأیید می‌کند.

۴-۲. انکاری: این استنادها یافته‌های نویسنده را رد می‌کنند، با یافته‌های نویسنده مخالف است، یا نویسنده آنها را رد می‌کند.

۵. استدلالی، نظری، فرضی

۵-۱. شامل همه استنادهایی است که ضرورت پرداختن به تحقیق را توجیه می‌کند.

۵-۲. شامل همه استنادهایی است که مقدمات فرضیه‌های پژوهش را فراهم می‌کنند. مانند بیرون کشیدن فرضیه از دل نظریه‌ها، فرضیه‌ها یا یافته‌های دیگر تحقیقات و نیز استنادهایی که دلایل طرح فرضیه پژوهش را موجه می‌سازند.

۵-۳. شامل استنادهایی است که بر اساس یافته‌های تحقیق از فرضیه‌ها و حدس و گمان‌های جدید محقق، حمایت می‌کنند.

۵-۴. استناد به فرضیه‌هایی (اعم از فرضیه‌های پیشنهادشده ثابت نشده و ثابت شده)، که نتایج مشاهده‌ها را بیان و مستدل می‌نمایند.

۵-۵. استنادهایی که یافته‌های نویسنده را توضیح می‌دهند و توصیف می‌کنند.
۵-۶. استنادهایی که از پیشنهاد برای پژوهشهای بیشتر، نظرها، راه‌حل‌ها و دیگر دلایل، حمایت می‌کنند.

در طبقه‌بندی «هوجز» چنین طبقه‌ای به چشم نمی‌خورد.

۶. مستند

۶-۱. استناد به منابع داده‌های خام استفاده شده در تحقیق (مانند انتشارات آماری رسمی).

۶-۲. این طبقه شامل بیشتر آن چیزهایی است که هوجز آن را «هم‌نژاد» نامیده است؛ یعنی استناد به مطالب ارائه شده در منابعی نظیر پایان‌نامه‌های دکتری، گزارشهای فنی و ... ، با این حال اگر استناد «هم‌نژاد» برای برخی مقاصد روش‌شناختی استناد شده باشد، باید آن را به عنوان استناد روش‌شناختی ثبت کرد.

۶-۳. استناد به نتایج تحقیقات، نقل قولها و عقاید دیگر محققان.

۶-۴. استناد به تعریفها و تفسیر و توضیح‌ها در رابطه با مفاهیم یا اصطلاحات موجود در مدرک استنادکننده، ارائه شده در مدرک مورد استناد.

۷. تاریخی

۷-۱. استنادهایی که تاریخ موضوع را ردیابی می‌کنند.

۷-۲. استنادهایی که از اثر پیشگامان قدردانی می‌کنند.

۷-۳. استناد به تحقیقات کم و بیش مشابه با تحقیق فعلی (اکثر این دسته از استنادها در بخش مرور نوشتار آورده می‌شوند بدون اینکه مستقیم به تنظیم تحقیق، فرضیه‌ها یا روش‌شناسی تحقیق پرداخته باشند).

اغلب تصمیم‌گیری درباره اینکه استنادی در طبقه «تاریخی» یا «تنظیم تحقیق» قرار می‌گیرد، مشکل است. به هر حال، هر وقت استنادی به درستی به سؤال پژوهش

در دست انجام مربوط باشد، باید آن را صرف نظر از دوره تاریخی اش، در «تنظیم تحقیق» قرار داد.

۸. اتفاقی (غیر مهم)

۱-۸. این طبقه به استندهایی اشاره دارد که مستقیماً به اثر در دست انجام مرتبط نیستند. اشاره به آثار مرتبط در حوزه‌های دیگر، از رویکردهای متفاوت - در عین حال بدون هیچ قصد مقایسه یا تحلیل - در این طبقه قرار می‌گیرند. بخصوص در مرور نوشتار، استناد به آثاری که موضوع اصلی آنها با موضوع اصلی تحقیق حاضر متفاوت باشد.

روش پژوهش، جامعه آماری و ابزار گردآوری اطلاعات

پژوهش حاضر از نوع کاربردی است و با روش تحلیل محتوا انجام گرفته است. جامعه آماری این پژوهش شامل استندهای آن دسته از مقاله‌های مجله‌های مصوب کمیسیون بررسی نشریه‌های علمی کشور حوزه کتابداری و اطلاع‌رسانی در سال ۱۳۸۵، به نامهای مجله کتابداری و اطلاع‌رسانی با درجه علمی پژوهشی، کتابداری^۱ و فصلنامه کتاب با درجه علمی - ترویجی است^۲، که شرایط زیر در مورد آن مقاله‌ها صادق باشد:

- پژوهشی باشند، نه مروری

- تألیفی باشند، نه ترجمه‌ای.

.....
۱. لازم به توضیح است، چاپ شماره ۴۶ (پاییز و زمستان) مجله کتابداری بنا به دلایلی به تعویق افتاد و در پاییز و زمستان ۱۳۸۶ تنظیم و در بهار ۱۳۸۸ در دسترس قرار گرفت؛ بنابراین، شماره ۴۶ (پاییز و زمستان ۱۳۸۶) به عنوان جایگزین شماره پاییز و زمستان ۱۳۸۵، استفاده و بررسی شد.

۲. برگرفته از: کمیسیون بررسی نشریات علمی کشور. فهرست مجله‌های مصوب. بازیابی ۱۸ آذر، ۱۳۸۵ از

در مجموع حدود ۵۷ مقاله پژوهشی تألیفی و ۹۱۵ استناد بررسی و مطالعه شد، که اطلاعات تفصیلی در رابطه با تعداد مقاله‌ها مربوط به هر شماره مجله در جدول ۱، قابل مشاهده است.

جدول ۱. توزیع مقاله‌های پژوهشی به تفکیک مجله‌ها در هر دوره انتشار^۲ آنها در سال ۱۳۸۵

کتابداری	فصلنامه کتاب	کتابداری و اطلاع‌رسانی	مجله شماره
۵	۶	۱	بهار
	۱۰	۳	تابستان
۶	۸	۲	پاییز
	۱۰	۶	زمستان
۱۱	۳۴	۱۲	جمع

بنابراین، با توجه به جدول ۱، بیشترین تعداد مقاله‌ها متعلق به مجله فصلنامه کتاب است و تعداد مقاله‌های پژوهشی مجله‌های کتابداری و اطلاع‌رسانی و کتابداری تقریباً با هم برابر هستند.

ابزار گردآوری اطلاعات، سیاهه واری است. این سیاهه، براساس مطالعه متون و دیدگاه‌های صاحب‌نظران تهیه شد که در زیر خواهد آمد. با توجه به تنوع اطلاعات حاصل از این پژوهش و نحوه بهره‌برداری از آنها، سیاهه واری واحدی طراحی شد که هدف از آن، شناسایی توأمان نوع استنادها بر اساس دسته‌بندی انواع

.....
 ۱. از مجموع ۱۰۰۲ استناد موجود در ۵۷ مقاله پژوهشی تألیفی، ۲ استناد به دلیل ارجاعی بودن و ۸۵ استناد به دلیل تکراری بودن حذف شدند، در نتیجه، در تعیین مکان و نوع استنادها، ۹۱۵ استناد و در تعیین سطح سودمندی استنادها از آنجا که سطح سودمندی مستقل از نوع و مکان استناد است و هر بافت استنادی سطح سودمندی خاص خود را دارد، استنادهای تکراری نیز شمرده شدند. بنابراین، در تعیین سطح سودمندی استنادها، ۱۰۰۰ استناد مورد بررسی قرار گرفت.

۲. مجله کتابداری و اطلاع‌رسانی و فصلنامه کتاب، به صورت فصلنامه، و مجله کتابداری، به صورت دو فصلنامه منتشر می‌شود.

مطالعه الگو، نوع و سطح سودمندی استنادهای ... / ۱۴۳

استناد، مکان و سطح سودمندی آنها بود. در این سیاهه، ردیفها به مشخصات استنادها و ستونها به ترتیب، به مکان استناد در مقاله پژوهشی، انواع استناد و سطح سودمندی آنها اختصاص دارد. همچنین، در قسمت بالای این سیاهه، اطلاعات کتابشناختی مقاله و تعداد منابع و استنادهای آن آمده است.

ملاحظات	تعداد استنادها										
	استناد	مکان استناد	تنظیم تحقیق	استدلالی، نظری، فرضی	تاریخی	اطلاعات زمینه‌ای	مسند	روش شناختی	تطبیقی	اتفاقی	سطح سودمندی
روش شناختی											
۱. طرح تحقیق											
۲. روش تحلیل											
تطبیقی											
۱. تطبیقی											
۲. تأییدی											
۳. انکاری											

شکل ۱. سیاهه واری

یافته‌های پژوهش

فرضیه شماره ۱. بین الگوی استنادی نویسندگان (استفاده از انواع استناد)، در سه مجله مورد بررسی، تفاوت معناداری وجود دارد.

در ارتباط با فرضیه ۱ پژوهش، با استفاده از مندرجات جدول ۲، به بررسی فراوانی انواع استناد در مجله‌های مورد نظر و پاسخ به این فرضیه می‌پردازیم.

جدول ۲. توزیع انواع استناد در طبقه‌های کلی به تفکیک مجله‌های مورد بررسی

تغییرات	جمع	کتابداری	فصلنامه کتاب	کتابداری و اطلاع‌رسانی	مجله / نوع
۱/۲	۲۵۴ ٪۲۷/۸	۴۴ ٪۲۸/۶	۱۴۴ ٪۲۷/۷	۶۶ ٪۲۷/۴	تنظیم تحقیق
۳/۸	۱۲۱ ٪۱۳/۲	۱۴ ٪۹/۱	۶۲ ٪۱۱/۹	۴۵ ٪۱۸/۷	اطلاعات زمینه‌ای

تغییرات	جمع	کتابداری	فصلنامه کتاب	کتابداری و اطلاع‌رسانی	مجله / نوع
۱۶/۸	۴۵ ٪۴/۹	۱ ٪۰/۶	۱۵ ٪۲/۹	۲۹ ٪۱۲	روش‌شناسی
۹/۶	۶۴ ٪۷	۱۳ ٪۸/۴	۳۲ ٪۶/۲	۱۹ ٪۷/۹	تطبیقی
۵/۲	۶۲ ٪۶/۸	۱۳ ٪۸/۴	۳۸ ٪۷/۳	۱۱ ٪۴/۶	استدلالی، نظری، فرضی
۱۱/۴	۱۲۶ ٪۱۳/۸	۱۵ ٪۹/۷	۷۵ ٪۱۴/۴	۳۶ ٪۱۴/۹	مستند
۲/۲	۱۹۸ ٪۲۱/۶	۴۷ ٪۳۰/۵	۱۱۸ ٪۲۲/۷	۳۳ ٪۱۳/۷	تاریخی
۶/۱	۴۵ ٪۴/۹	۷ ٪۴/۵	۳۶ ٪۶/۹	۲ ٪۰/۸	اتفاقی
*	۹۱۵ ٪۱۰۰	۱۵۴ ٪۱۰۰	۵۲۰ ٪۱۰۰	۲۴۱ ٪۱۰۰	جمع
*	*	۲۹/۹	۲۴/۸	۲۶/۶	تغییرات

بر اساس اطلاعات مندرج در جدول ۲، که در آن به توزیع انواع استناد در طبقه‌های کلی می‌پردازد، طبقه‌ای که بیشترین تعداد استنادها را در خود جای داده است. در فصلنامه کتابداری و اطلاع‌رسانی و فصلنامه کتاب، طبقه «تنظیم تحقیق» و در دو فصلنامه کتابداری، طبقه «تاریخی» است؛ و کمترین تعداد استنادها در فصلنامه کتاب و کتابداری، طبقه «روش‌شناسی» و در کتابداری و اطلاع‌رسانی، طبقه «اتفاقی» می‌باشد.

بیشترین تغییرات در بین طبقه‌های سه مجله، با ۱۶/۸ D: در طبقه «تاریخی» است که کمینه آن، ۱۳/۷ در کتابداری و اطلاع‌رسانی و بیشینه آن، ۳۰/۵ در

کتابداری است. پس از آن، بیشترین تغییرات متعلق به طبقه «روش‌شناسی» با ۱۱/۳ D: بین ۱۲ در کتابداری و اطلاع‌رسانی و ۰/۷ در کتابداری می‌باشد.

علاوه بر تغییرات بین مجله‌ها، تغییرات بین طبقه‌ها در هر مجله نیز به قرار زیر است:

کتابداری با ۲۹/۹ D: بیشترین تغییرات بین طبقه «تاریخی» و «روش‌شناسی» را داراست. بعد از آن کتابداری و اطلاع‌رسانی با ۲۶/۶ D: بین طبقه‌های «تنظیم تحقیق» و «اتفاقی» و فصلنامه کتاب با ۲۴/۸ D: بین طبقه‌های «تنظیم تحقیق» و «روش‌شناسی» دارای دامنه تغییرات نسبتاً مساوی هستند.

البته، توزیع نوع استندها در هر مقاله مجله، بسیار متفاوت از یکدیگر است که این پژوهش قصد ندارد به این مسئله بپردازد.

برای آزمون معناداری تفاوت بین الگوی استنادی نویسندگان (استفاده از انواع استناد)، از آزمون مجذور کای (X^2) استفاده شد. مقدار کی دو ۷۴/۴۵۷ در سطح اطمینان ۰/۰۵ و درجه آزادی ۱۴ به دست آمد. از آنجا که مقدار آماره آزمون ۰/۰۰۰ شده است و کمتر از ۰/۰۵ است، تفاوتی معنادار را نشان می‌دهد. به عبارت دیگر، بین الگوی استنادی نویسندگان در سه مجله مورد بررسی، تفاوت معناداری وجود دارد.

جدول ۳. آزمون X^2 برای بررسی تفاوت بین الگوی استنادی نویسندگان (استفاده از انواع استناد)

	ارزش	درجه آزادی	P - Value
کی دو پیرسون	۷۴/۴۵۷	۱۴	۰/۰۰۰

فرضیه شماره ۲. توزیع و پراکندگی استنادها در بخشهای مختلف سه مجله مورد بررسی، متفاوت است.

در پاسخ به فرضیه ۲، جدول ۴، به بررسی مکان استنادها در هر سه مجله نامبرده در طول سال ۱۳۸۵ می‌پردازد.

جدول ۴. توزیع استنادها در بخشهای مختلف مقاله‌های مجله‌های مورد بررسی

مکان مجله‌ها	کتابداری و اطلاع‌رسانی	فصلنامه کتاب	کتابداری	جمع
مقدمه	۷۸ ٪۳۲/۴	۱۳۶ ٪۲۶/۲	۳۲ ٪۲۰/۸	۲۴۶ ٪۲۶/۹
مرور نوشتار	۹۸ ٪۴۰/۷	۲۸۱ ٪۵۴	۸۹ ٪۵۷/۸	۴۶۸ ٪۵۱/۱
روش‌شناسی	۳۰ ٪۱۲/۴	۲۸ ٪۵/۴	۱ ٪۰/۶	۵۹ ٪۶/۴
یافته‌ها	۱۰ ٪۴/۱	۴۶ ٪۸/۸	۱۲ ٪۷/۸	۶۸ ٪۷/۴
نتیجه‌گیری	۲۵ ٪۱۰/۴	۲۹ ٪۵/۶	۲۰ ٪۱۳	۷۴ ٪۱۸
جمع	۲۴۱ ٪۱۰۰	۵۲۰ ٪۱۰۰	۱۵۴ ٪۱۰۰	۹۱۵ ٪۱۰۰

آن‌طور که از جدول ۴ پیداست، متراکم‌ترین بخشها از لحاظ حضور استناد، در هر سه مجله مذکور، ابتدا بخش «مرورنوشتار» است که تقریباً بیش از نیمی از کل استنادها را شامل می‌شود، و پس از آن بخش «مقدمه» است. اما اولویتهای سوم تا پنجم، از مجله‌ای به مجله دیگر متفاوت است؛ به‌طوری که اولویت سوم در کتابداری و اطلاع‌رسانی، بخش «روش‌شناسی»، در فصلنامه کتاب، بخش «یافته‌ها» و در کتابداری، بخش «نتیجه‌گیری» است. اولویت چهارم در مجله‌های کتابداری و

اطلاع‌رسانی و فصلنامه کتاب، یکسان و بخش «نتیجه‌گیری» است و در کتابداری بخش «یافته‌ها» است. اولویت پنجم نیز در مجله‌های فصلنامه کتاب و کتابداری، یکسان و بخش «روش‌شناسی» است؛ در حالی که در کتابداری و اطلاع‌رسانی بخش «یافته‌ها» می‌باشد. بنابراین، تراکم استنادها در اولویت سوم تا پنجم بدین قرار است که استنادها ابتدا در بخش «نتیجه‌گیری»، سپس در بخش «یافته‌ها»، و در نهایت در بخش «روش‌شناسی» قرار گرفته‌اند. نکته قابل ملاحظه در این بررسی این است که با توجه به اینکه جامعه پژوهش تحقیق حاضر، مقاله‌های پژوهشی می‌باشند و آنها نیز بر روش پژوهش و آزمونهای آماری متکی هستند، شاهد هستیم که کمترین تعداد استنادها در بخش روش‌شناسی قرار گرفته‌اند، علاوه بر اینکه در پاسخ به فرضیه قبلی مشخص شد که در دو مجله فصلنامه کتاب و کتابداری، طبقه روش‌شناسی نیز کمترین تعداد استناد را در خود جای داده است.

برای آزمون معناداری تفاوت بین توزیع و پراکندگی استنادها در بخشهای مختلف سه مجله مورد بررسی، از آزمون مجذور کا (X^2) استفاده شد. با توجه به جدول ۵، مقدار کی دو ۴۹/۷۸۸ در سطح اطمینان ۰/۰۵ و درجه آزادی ۸ به دست آمد. از آنجا که مقدار آماره آزمون ۰/۰۰۰ شده است و کمتر از ۰/۰۵ است، تفاوتی معنادار را نشان می‌دهد. به عبارت دیگر، بین مکان استناد در بخشهای مختلف سه مجله مورد بررسی تفاوت معناداری وجود دارد.

جدول ۵. آزمون X^2 برای بررسی تفاوت بین توزیع و پراکندگی استنادها در بخشهای مختلف سه مجله مورد بررسی

	ارزش	درجه آزادی	P - Value
کی دو پیرسون	۴۹/۷۸۸	۸	۰/۰۰۰

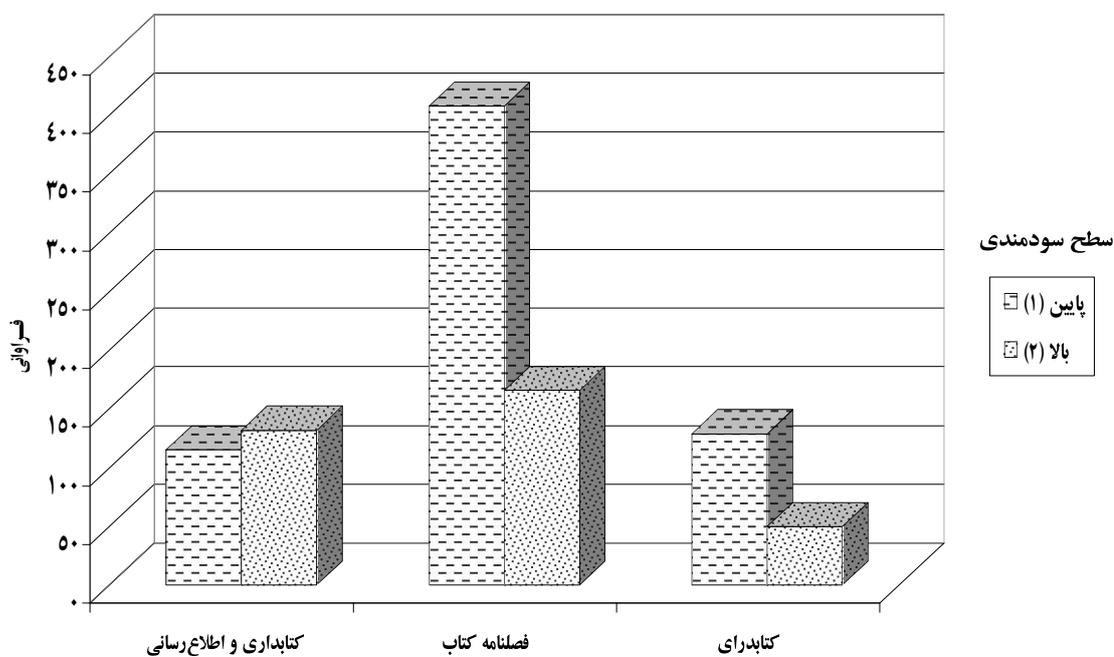
فرضیه شماره ۳. سطح سودمندی استنادها در سه مجله مورد بررسی، متفاوت است.

به منظور تعیین سطح سودمندی محتوای استنادها، با استفاده از تحلیل بافتی (Amsterdamska, Leydesdorff, 1989, Maricic et al., 1998)، و بدون در نظر گرفتن موقعیت مکانی و نوع استنادها، بافتهای استنادی مورد مطالعه قرار گرفت. تعیین سطح سودمندی استنادها گام بسیار مهم و روبه جلو از تعداد شکنی در تحلیلهای استنادی است. جدول ۶ و نمودار ۱، به بررسی سطح سودمندی استنادها در مجله‌های مورد بررسی می‌پردازد.

جدول ۶. فراوانی سطح سودمندی استنادها به تفکیک مجله‌های مورد بررسی

مجله	سطح سودمندی	پایین (۱)	بالا (۲)	جمع
کتابداری و اطلاع‌رسانی		۱۱۵ ٪۴۶/۶	۱۳۲ ٪۵۳/۴	۲۴۷ ٪۱۰۰
فصلنامه کتاب		۴۰۸ ٪۷۱/۱	۱۶۶ ٪۲۸/۹	۵۷۴ ٪۱۰۰
کتابداری		۱۲۹ ٪۷۲/۱	۵۰ ٪۲۷/۹	۱۷۹ ٪۱۰۰
جمع		۶۵۲ ٪۶۵/۲	۳۴۸ ٪۳۴/۸	۱۰۰۰ ٪۱۰۰

مطابق اطلاعات به دست آمده از جدول ۶، نسبت استندهای سطح پایین به بالا در فصلنامه کتاب ۱۶۶:۴۰۸، در کتابداری ۵۰:۱۲۹، و در کتابداری و اطلاع‌رسانی ۱۳۲:۱۱۵ است، یعنی کتابداری و اطلاع‌رسانی علاوه بر نزدیک بودن فراوانی استندهای سطح پایین و بالا، دارای استندهای بیشتری در سطح سودمندی بالاست (نمودار ۱).



نمودار ۱. بررسی سطوح سودمندی استنادها در هر سه مجله مورد بررسی

برای آزمون معناداری تفاوت بین سطح سودمندی استنادها در سه مجله مورد بررسی، از آزمون مجذور کای (X^2) استفاده شد. با توجه به جدول ۷، مقدار کی دو در ۵۰/۲۹۶ سطح اطمینان ۰/۰۵ و درجه آزادی ۲ به دست آمد. از آنجا که مقدار آماره آزمون ۰/۰۰۰ شده است و کمتر از ۰/۰۵ است، تفاوتی معنادار را نشان می‌دهد. به عبارت دیگر، بین سطح سودمندی استنادها در سه مجله مورد بررسی تفاوت معناداری وجود دارد.

جدول ۷. آزمون X^2 برای بررسی تفاوت بین سطح سودمندی استنادها در سه مجله مورد بررسی

	ارزش	درجه آزادی	P - Value
کی دو پیرسون	۵۰/۲۹۶	۲	۰/۰۰۰

فرضیه شماره ۴. نتایج حاصل از فرضیه‌های ۱، ۲، و ۳ در کل مجله‌های مورد بررسی متفاوت است.

در این فرضیه، قصد ما بر این بوده است تا مقاله‌های کل مجله‌های مورد بررسی را به عنوان یک کل در نظر بگیریم و سپس با استفاده از آزمونهای آماری مناسب، وجود تفاوت معنادار بین الگوی استنادی نویسندگان، مکان استنادها، و سطح سودمندی آنها را بررسی کنیم.

به منظور بررسی چگونگی توزیع انواع استنادها در مقاله‌های مجله‌ها، از جدول ۸ استفاده می‌کنیم. براساس اطلاعات حاصل از این جدول، بیشترین فراوانی استنادها در طبقه‌های استنادی به ترتیب متعلق به طبقه‌های «تنظیم تحقیق»، «تاریخی»، «مستند»، «اطلاعات زمینه‌ای»، «تطبیقی»، «استدلالی، نظری، فرضی»، «روش‌شناسی»، و در نهایت «اتفاقی» است.

جدول ۸. توزیع انواع استناد در طبقه‌های کلی در کل مجله‌های مورد بررسی

جمع	اتفاقی	تاریخی	مستند	استدلالی، نظری، فرضی	تطبیقی	روش‌شناسی	اطلاعات زمینه‌ای	تنظیم تحقیق	نوع استناد فراوانی
۱۰۰۰	۴۵	۲۲۶	۱۵۶	۶۲	۷۱	۴۷	۱۲۸	۲۶۵	
%۱۰۰	%۴/۵	%۲۲/۶	%۱۵/۶	%۶/۲	%۷/۱	%۴/۷	%۱۲/۸	%۲۶/۵	

همچنین، به منظور بررسی چگونگی توزیع استنادها در بخشهای مختلف مقاله‌های مجله‌ها، از جدول ۹ استفاده می‌کنیم. از اطلاعات این جدول چنین بر می‌آید که بیشترین فراوانی استنادها به ترتیب در بخشهای «مرور نوشتار»، «مقدمه»، «یافته‌ها»، «بحث و نتیجه‌گیری»، و «روش‌شناسی» آمده است.

جدول ۹. توزیع استنادها در بخشهای مختلف مقاله‌ها، در کل مجله‌های مورد بررسی

جمع	نتیجه‌گیری	یافته‌ها	روش‌شناسی	مرور نوشتار	مقدمه	مکان استناد فراوانی
۱۰۰۰	۸۲	۹۶	۶۱	۴۸۸	۲۷۳	
%۱۰۰	%۸/۲	%۹/۶	%۶/۱	%۴۸/۸	%۲۷/۳	

بر اساس داده‌های حاصل از جدول ۱۰، تعداد استنادهای سطح پایین بیشتر و تقریباً دو برابر استنادهای سطح بالاست.

جدول ۱۰. فراوانی سطح سودمندی استنادها در کل مجله‌های مورد بررسی

جمع	بالا (۲)	پایین (۱)	سطح سودمندی فراوانی
۱۰۰۰	۳۴۸	۶۵۲	
% ۱۰۰	% ۳۴/۸	% ۶۵/۲	

جدولهای ۱۱، ۱۲ و ۱۳ که در زیر آمده است، به ترتیب به آزمون الگوی استنادی نویسندگان، مکان استنادها، و سطح سودمندی استنادها اختصاص دارد.

جدول ۱۱. آزمون X^2 برای بررسی تفاوت بین الگوی استنادی نویسندگان در کل مقاله‌های مجله‌های مورد بررسی

P - Value	درجه آزادی	ارزش	کی دو پیرسون
۰/۰۰۰	۷	۳۶۳/۴۸۷	

جدول ۱۲. آزمون X^2 برای بررسی تفاوت بین توزیع و پراکندگی استنادها در بخشهای مختلف در کل مقاله‌های مجله‌های مورد بررسی

P - Value	درجه آزادی	ارزش	کی دو پیرسون
۰/۰۰۰	۴	۶۸۶/۷۵۴	

جدول ۱۳. آزمون دو جمله‌ای برای بررسی تفاوت بین سطح سودمندی استنادها در کل مقاله‌های مجله‌های مورد بررسی

		فراوانی	نسبت مشاهده شده	P - Value دو طرفه
سطح سودمندی	۱ (پایین)	۶۵۲	۰/۶۵	۰/۰۰۰
	۲ (بالا)	۳۴۸	۰/۳۵	
	جمع	۱۰۰۰	۱/۰۰	

با توجه به جدولهای فوق، از آنجا که مقدار آماره آزمون در هر سه مورد ۰/۰۰۰ شده است و کمتر از ۰/۰۵ است، تفاوتی معنادار را نشان می‌دهد. به عبارت دیگر ۱- بین الگوی استنادی نویسندگان به طور کلی تفاوت معناداری وجود دارد ۲- بین پراکندگی استنادها به طور کلی تفاوت معناداری وجود دارد و ۳- بین سطح سودمندی استنادها به طور کلی تفاوت معناداری وجود دارد.

با استفاده از جدول ۱۳ می‌توان چنین نتیجه گرفت که: با توجه به فراوانی نسبی مشاهده شده برای هر یک از سطوح سودمندی، برای سطح سودمندی پایین (۱)، فراوانی نسبی مشاهده شده بیشتر است.

نتیجه‌گیری

یافته‌های پژوهش نشان داد نویسندگان به روشهای متفاوت و از انواع مختلف استنادها بهره می‌برند؛ یعنی، استفاده از انواع استناد در مقاله‌های مجله‌های مورد بررسی متفاوت است. یافته‌ها حاکی از آن است که طبقه تنظیم تحقیق در دو مجله کتابداری و اطلاع‌رسانی و فصلنامه کتاب در رتبه اول و در کتابداری در رتبه دوم قرار دارد. طبقه‌های تطبیقی، استدلالی، نظری، فرضی، و روش‌شناسی تقریباً در رتبه‌های آخر قرار می‌گیرند. پژوهش «پریتز» (1983)، نیز نشان داد بیشترین فراوانی نوع استنادها به طبقه تنظیم تحقیق مربوط است. قابل مشاهده است که نحوه توزیع انواع استناد در مجله کتابداری و اطلاع‌رسانی منطقی‌تر از سایر مجله‌هاست و همچنین اولویت استفاده از انواع استناد در مجله‌های فصلنامه کتاب و کتابداری، بسیار شبیه هم است. بنابراین، شاید بتوان این نحوه توزیع انواع استنادها در مجله‌ها را به درجه علمی مجله^۱ نسبت داد. البته، دلیل دیگری که می‌توان صحت و سقم آن را

.....
۱. دو مجله فصلنامه کتاب و کتابداری با درجه علمی ترویجی و مجله کتابداری و اطلاع‌رسانی با درجه علمی پژوهشی می‌باشد.

در پژوهشهای دیگری بررسی کرد این است که: به احتمال زیاد حساسیتها و گرایشهای مسئولان و داوران مجله‌های علمی می‌تواند در نحوه استناددهی نویسندگان مقاله‌های علمی اثرگذار باشد.

درصد پایین استنادهای استدلالی، نظری، فرضی، و تطبیقی نشان دهنده تأثیرپذیری کم از پژوهشهای قبلی است. این در حالی است که به عقیده دیانی (۱۳۸۶: ۱)، استناد سودمند استنادی است که ویژگی ادغامی داشته باشد و نه صرفاً مروری که فقط خبری درباره وجود مقاله‌ای باشد، بلکه آجری باشد که بر بنای در دست ساختمان علمی خاص نهاده می‌شود و بر اساس مطالب قبلی و با نیت ارتقای سطح دانسته قبلی مطرح شود. از طرف دیگر، درصد به نسبت بالای استنادهای اتفاقی، بخصوص در دو مجله فصلنامه کتاب و کتابداری، تردیدهای جدی را درباره استفاده از استنادها به عنوان سنجش کیفیت به بار می‌آورند. نتایج پژوهش موروسیگ و مورگسان (۱۹۷۵) نیز مؤید این مطلب است.

استنادها در بخشهای مختلف مقاله‌های مجله‌های مورد بررسی به گونه‌ای متفاوت توزیع شده‌اند. استنادها در هر سه مجله بعد از بخش مرور نوشتار، در بخش مقدمه قرار گرفته‌اند. پژوهشهای پریتر (۱۹۸۳) و کانو (۱۹۸۹)، نیز این یافته‌ها را تأیید می‌کنند. بیشتر استنادهای بخش مقدمه در پژوهش حاضر از نوع مستندسازی مفاهیم و تعاریف عملیاتی و اطلاعات زمینه‌ای و تأثیر آنها در تولید اطلاعات جدید، بسیار کم بوده است. این نتیجه می‌تواند ما را به سمت این فرضیه هدایت کند که استنادهایی که در بخش «مقدمه» مقاله‌های پژوهشی آورده می‌شود، صرفاً زمینه کار را نشان می‌دهند و نویسندگان مقاله، در بقیه مقاله، استفاده اطلاعاتی کمی از آنها می‌برند. این نکته بدین معنا نیست که استنادهای این بخشها از نظر محتوای اطلاعاتی برای تمام خوانندگان بی ارزش است. تنها بدین معناست که استنادهای موجود در

بخشهای مقدماتی، می‌تواند منحصرأ پیشینه پژوهشی و زمینه‌ای را بازنمایاند (Cano, 1989).

بین سطح سودمندی استنادها در سه مجله مورد بررسی تفاوت معنادار وجود دارد. یافته‌های پژوهش نشان داد در هر سه مجله مورد بررسی، بیش از نیمی از استنادهای موجود در بخش مقدمه با سطح سودمندی پایین می‌باشند و در بخش نتیجه‌گیری نیز استنادهای با سطح سودمندی بالا بیشترین فراوانی را دارا می‌باشند. یافته‌های پژوهش کانو (1989) و ماری سیک و دیگران (1998)، نیز در تأیید یافته پژوهش حاضر هستند. از دلایل چنین رخدادی می‌تواند این باشد که در بخش مقدمه بیشتر بحثهای تاریخی و پیش‌زمینه‌ای مطرح می‌شوند و در نتیجه‌گیری، از آنجا که نتایج پژوهشهای ذکر شده در پیشینه پژوهشی با یافته‌های پژوهش در دست اقدام بحث می‌شوند و استدلالها، پیشنهادها، و یا فرضیه‌هایی ارائه می‌گردد، در دسته استنادهای با سطح سودمندی بالا قرار می‌گیرند.

بین الگوی استنادی نویسندگان به طور کلی، پراکنندگی استنادها به طور کلی، و سطح سودمندی استنادها به طور کلی تفاوت معنادار وجود دارد. بنابراین، می‌توان چنین نتیجه گرفت که فراوانی استنادها صرفاً نشان دهنده سطح کیفی استنادها و در پی آن سطح کیفی مقاله‌های علمی نیست که بتوان بر اساس آن به ارزیابی دانشمندان، گروه‌های تحقیقاتی، انتصاب موقعیتها و ... پرداخت، زیرا بر اساس یافته‌های این پژوهش، عقیده تساوی ارزش استنادها نقض می‌شود و برای حل این مشکل پارامتر نوع، و مکان استنادها و بخصوص نوع اشاره به مدرک مورد اسناد می‌تواند تا حد زیادی در تعیین سطح کیفی استنادها مؤثر باشند. همچنین، نکته‌ای که قابل تذکر است، اینکه استنادها در جذب تأثیر فکری گنجانده شده در دانش شفاهی و غیر آشکار ناتوان است. به بیان دیگر، استنادها تنها می‌توانند منعکس‌کننده

تأثیراتی باشند که توسط نویسنده یک مدرک شناخته شده است. استنادها، تأثیرهایی را که به «بار و بنه فکری» تعلق دارند، منعکس نمی‌کنند، بار و بنه‌ای که به واسطه سالها فعالیت فکری جمع‌آوری شده است. به عبارت دیگر، استنادها اطلاعات یا دانشی را که با ساخت ذهنی یک نویسنده یکی شده، به شکلی که به صورت ناآشکار و ضمنی درآمده است را نیز جذب نمی‌کنند (Cano, 1989).

بر اساس یافته‌های پژوهش، پیشنهادهای اجرایی زیر به منظور بهبود شیوه‌های استناددهی و در پی آن ارتقای سطح کیفی تولید علم در ایران ارائه می‌گردد:

- پیشنهاد می‌شود جامعه علمی کتابداری و کتابداران با مباحثی چون انواع استناد، انواع بخشهای مقاله‌های علمی، چگونگی اشاره به مدرکی (اشاره پرمحتوا یا اشاره سطحی)، و اهمیت آنها در تولید متون علمی بیشتر آشنا شوند تا بتوانند علاوه بر استفاده خود، به دیگر مراجعان مراکز اطلاع‌رسانی نیز آموزش دهند؛ زیرا با تأکید روزافزون بر اهمیت تولید علم در کشور و نیز تمایل دانشگاه‌ها در افزایش رتبه علمی خود، گرایش به استفاده از روشهای پژوهش علمی افزایش می‌یابد. کتابداران ایرانی، همچون کتابداران کشورهای پیشرفته، می‌توانند نقش کلیدی در ساماندهی به این نوع پژوهشها داشته باشند.

- پیشنهاد می‌شود توضیحات و دستور عمل‌هایی درباره انواع استناد با توجه به رشته‌های علمی مختلف تدوین شود و در کتابخانه‌ها و مراکز اطلاع‌رسانی در دسترس مراجعان قرار گیرد.

- پیشنهاد می‌شود طبقه‌بندی از انواع استناد در رشته کتابداری و اطلاع‌رسانی و توضیحات کافی در این باره در دسترس مدیران نشریه‌های علمی قرار گیرد تا به عنوان سنجه‌ای برای ارزیابی مقاله‌های دریافتی مورد استفاده قرار گیرد.

منابع

- دیانی، محمدحسین (۱۳۸۶). سنجش‌ای به نام «عامل تأثیر». کتابداری و اطلاع‌رسانی، ۱۰ پیاپی ۴۰ (زمستان ۱۳۸۶)، جلد دهم، شماره ۴: ۳-۴.
- شهریاری، پرویز (۱۳۸۵). تحلیل استنادی مقالات فصلنامه علوم اطلاع‌رسانی (۱۳۵۱-۱۳۸۱) ...
- کمیسیون بررسی نشریات علمی کشور. لیست مجله‌های مصوب. بازیابی ۱۸ آذر، ۱۳۸۵ از <http://www.magiran.com/category.asp?l=1&cat=0801&keyword=&page=6>
- موسوی، میرفضل ... (۱۳۸۳). رتبه‌بندی تولید علم در ۵۰ کشور اول جهان. رهیافت، (۳۲)، ۳۷-۵۷.

- Amsterdamska, O., Leydesdorff, L. (1989). Citations: indicators of significance? *Scientometrics*, 15(5-6), 449-471.
- Bornmann, L., Daniel, H.-D. (2008a). Functional use of frequently and infrequently cited articles in citing publications: A content analysis of citations to articles with low and high citation counts. *European Science Editing*. 34(2), 35-38. Retrieved Jun, 16, 2008, from: <http://www.lutz-bornmann.de/icons/ESE.pdf>
- Bornmann, L., Daniel, H.-D. (2008b). What do citation counts measure? A review of studies on citing behavior. *Journal of Documentation*. 64(1), 45-80. Retrieved Jul 26, 2008, from: <http://www.emeraldinsight.com/Insight/ViewContentServlet?contentType=Article&Filename=Published/EmeraldFullTextArticle/Articles/2780640103.html>
- Cano, V. (1989). Citation behavior: classification, utility, and location. *Journal of the American Society for Information Science*, 40(4), 284-290. Retrieved Jun, 16, 2008, from: <http://proquest.umi.com/pqdweb?index=6&did=639269621&SrchMode=1&sid=2&Fmt=6&VInst=PROD&VType=PQD&RQT=309&VName=PQD&TS=1255163266&clientId=61590>
- Hand, J. (2003). *Feasibility of using citations as document summaries*. Unpublished doctoral dissertation, Drexel

University. Retrieved Apr 10 from: http://dspace.library.drexel.edu/bitstream/1860/288/8/hand_jeff_thesis.pdf

- Maricic, S., Spaventi, J., Pavicic, L., Pifat-Mrzljak, G. (1998) Citation context versus the frequency counts of citation histories. *Journal of the American Society for Information Science*, 49, 530-540.
- Peritz, B. C. (1983). A classification of citation roles for the social sciences and related fields. *Scientometrics*, 5, 303-312.